

بازخوانی کارکرد دوسویه قوه خیال در سلطه‌ی سایبری بر مبنای علم النفس فلسفی

زهرا حبیبیان^۱، عذرا جعفری موحد^۲

^۱ دانش‌آموخته سطح سه فلسفه اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله علیها، قم و دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران
habibian213@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته سطح سه فلسفه اسلامی جامعه الزهرا سلام‌الله علیها، قم و فارغ‌التحصیل دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم
jafarimovahed97@gmail.com

چکیده

در طول تاریخ، کنترل و سلطه بر دیگران دغدغه‌ی اصلی سلطه‌جویان بوده است. دانش سایبرنتیک محصول علم مدرن، با خاستگاه اومانیستی، به معنای کنترل و حاکمیت از طریق جریان اطلاعات است که در انسان با محوریت خیال رقم خورده و بستری نرم و نوین در اعمال سلطه محسوب می‌شود. قوه خیال به تحلیل علم النفس فلسفی دو ساحت سلطه‌پذیر و سلطه‌گریز دارد. از یک سو سلطه‌سایبری با تخدیر خیال، ذائقه‌شناسی و ذائقه‌سازی در انسان، فاعلیت عقلانی نفس را زایل ساخته و نفس آدمی را با ایجاد کثرت در ارضای امیال شهوانی تا سر حد تسخیر در جهت اهداف سلطه پیش می‌برد. از سوی دیگر خیال در جنبه سلطه‌گریز خود پلی برای استقرار عقل بوده و در پرتو هدایت تکوینی و تشریحی، با قدرت زیبایی‌شناختی، عامل اصلی عزم، طریقی ضروری در سلوک و سپری در مقابل اعمال سلطه‌ی سایبری به شمار می‌رود. در سلطه‌ی سایبری، نوعی تسخیر باطل ایجاد می‌شود که به نحو علی بر انسان مؤثر نبوده و به فاعلیت بالقصد او ضربه‌ای وارد نمی‌سازد؛ بلکه مسیر اختیار را با بازداشتن تمسک به تفکر و تعقل، یک‌طرفه ساخته و در مسیری خلاف مصلحت او سوق می‌دهد. بر این مبنا روش کنترل در سلطه‌ی سایبری با تعالی انسان در تقابل است. شناخت ساحت دوگانه‌ی خیال در سلطه‌ی سایبری، در پیشگیری و دفاع در برابر آسیب‌های نظام سلطه و نیز تنظیم نظامی متعالی مبتنی بر مبانی اسلامی، مؤثر است.

کلمات کلیدی: کنترل، سلطه‌ی سایبری، اومانیسم، خیال، فاعلیت بالتسخیر، زیبایی‌شناسی، هدایت.

۱ مقدمه

سلطه‌گری و نظام مبتنی بر آن یکی از انواع نامطلوب حکمرانی است که دیرینه‌ای به قدمت حیات بشر دارد و سایبر، ابزار و روشی نوین در اعمال آن محسوب می‌شود.

دانش سایبرنتیک، محصول نظریات نوربرت وینر در سال ۱۹۴۸ میلادی، هم‌زمان با پیشرفت علم مدرن و رشد فناوری، در فضای فکری - فلسفی ضدیت با خدا و رغبت به اومانیزم^۱، به‌عنوان دانش کنترل جریان اطلاعات در ماشین‌ها، سیستم‌ها و موجودات زنده شکل گرفت. وینر در تبیین سایبر از واژه‌ی کنترل و فرمان، بهره برده است. سایبر بعدها در مطلق فرمان و کنترل موجودات، اعم از طبیعی و مصنوعی کاربرد یافت. ترکیب سلطه و سایبری و اعمال آن بر انسان، روشی نرم در کنترل انسان را فراروی قدرت‌ها قرار داد.

قوه خیال از جمله قوای مؤثر در فعل و انفعالات اختیاری انسان است که ظرفیت‌های بی‌نظیری در تنوع انگیزش و کنش و نیز پذیرش سلطه و نفی آن دارد؛ از این‌رو حلقه واسط سلطه‌سایبری و انسان محسوب می‌شود. بازخوانی تفسیری که علم النفس فلسفی در کارکردی دوسویه از خیال به‌عنوان مثال متصل و ارتباطش با مثال منفصل و عوالم بالاتر ارائه داده‌است، در روشن ساختن تناسبی که میان خیال انسانی و سلطه‌سایبری وجود دارد، راه‌گشا است. به علاوه، این بازخوانی به هدف پاسداری از سلطه‌پذیری انسان، شناخت ریشه‌ها و راه‌های نفوذ دشمن از طریق کنترل خیال و ایجاد خطای شناختی در آن و نیز ارائه‌ی راهکارهای ساحت سلطه‌گریز خیال در مقابل سلطه‌ورزی سایبری، ضروری است.

پژوهش‌های مرتبط با مسئله این جستار در چهار حالت صورت‌بندی شده است: برخی به نحو ممتاز به بررسی سلطه، سایبر و خیال پرداخته‌اند؛ دسته‌ای ارتباطشان با این مسئله در حد اشتراک در پاره‌ای از مباحث است؛ شماری نیز تمرکز بر تبیین جزئی‌اخص از آن داشته و جمله‌ای نیز تحلیلی ضمنی در حواشی تحقیق‌اند و هیچ‌کدام به نحو مبسوط بر خیال در نسبت سلطه‌سایبری، متمرکز نشدند.

در مسیر حل مسئله این تحقیق، با روش توصیفی - تحلیلی، به تحلیل مفاهیم کلیدی عنوان پرداخته، سپس پس از ترسیم جایگاه خیال در علم النفس فلسفی، کارکرد دوگانه‌ی خیال با تأکید بر بعد سلطه‌پذیر آن در نسبت سلطه‌سایبری تبیین می‌شود و در پایان ترسیمی که علم النفس فلسفی از بعد سلطه‌گریز خیال داشته و راهکاری که در سلوک و نفی سلطه ارائه می‌دهد، تقریر می‌شود.

۲ تحلیل مفاهیم

عمده مباحث فلسفی در زمینه‌ی خیال، محض و بنیادی است؛ از این‌رو پیشروی در سیر راهبردی موضوع جستار حاضر، به تحلیل ماهوی و متناظر عناصری نظیر سلطه، سایبری و خیال، نیازمند است.

۱.۲ معناشناسی سلطه و انواع آن

سلطه در لغت به معنای قهر و چیرگی (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶/۳۲۶) و از منظر جامعه‌شناختی، به رابطه‌ای مقرون با قدرت میان دو شخص و یا دو دولت اطلاق می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۶۹: ۱۲۶).

¹Humanism

سلطه در نظر ماکس وبر یعنی: «گردن نهادن گروهی از افراد به احتمالی که محتوای مشخصی دارد» (راسل، ۱۳۶۷: ۵۵) و در دیگر تعابیر، قدرت از آن حیث که «امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگر افراد است» سلطه نامیده می‌شود. (راش، ۱۳۷۷: ۵۸) براین اساس سلطه قدرتی مقید است و قدرت در معنا، توانمندی افراد و گروه‌ها در به کرسی نشاندن منافع و امیال خود، علی‌رغم مخالفت دیگران است (صولتی، ۱۳۹۰: ۵۳) و می‌توان آن را به سه دسته‌ی الهی، ماشینی و انسانی تقسیم کرد.

سلطه در قرآن به معنای حجت و برهان و در برخی موارد، به سیطره شیطان بر بندگان اطلاق شده است (خالقی بایگی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹). در برخی تعابیر نیز، هم‌تراز با حکمرانی و سلطنت قلمداد شده و ناظر به بعد کمالی آن، برداشتی مثبت از آن شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)؛ در حالی که در معنای سلطه نوعی تحمیل نفسانی برتری‌جویانه وجود دارد؛ از این‌رو ارزش معنایی آن منفی است و حکمرانی بر اساس آن در زمره حکمرانی نامطلوب قرار می‌گیرد.

سلطه و استخدام در تعابیر فلسفی، روحیه‌ی غلبه و به استخدام درآوردن دیگری و استثمار آن به هدف رفع نیازهای خود است و با توسعه در معنا، استخدام به هدفی متعالی، از جمله گرایش‌های غریزی و فطری آدمی است (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۰۲-۲۰۴) که شکل جبر و تحمیل قدرت در آن، معنای سلطه را می‌سازد. استخدام در انسان با هدفی خردورزانه و متکی بر عقلانیت ابزاری رخ می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۹۹) لذا ارزشی خنثی دارد. ولی چنانچه مبدأ آن صرفاً امیال نفسانی باشد؛ نظیر سلطه، بار منفی داشته و اگر ناشی از عقلانیت الهی و فطری باشد جلوه‌ای متعالی می‌یابد (مدقق، شرف‌الدین، ۱۳۹۸: ۶۳)؛ از این‌رو سلطه، استخدام مقیدی است که برخاسته از نفسانیت و تحمیل اراده رخ می‌دهد و تفاوتی در فاعلیت انسانی و غیرانسانی آن نیست؛ بلکه هر موجود واجد تصمیم‌گیری را شامل می‌شود.

بنابراین تمایز سلطه و استخدام، در کاربرد و عدم کاربرد جبر و تحمیل است.

گونه‌های سلطه در دو دسته مادی و معنوی ترسیم می‌شود. سلطه مادی، غلبه قدرت انسان بر انسان به روش‌های مختلفی مانند توسل به خشونت، ایجاد وابستگی و ضعیف‌سازی متعلق سلطه است. فرمان و کنترل جریان اطلاعات در سیستم‌ها و موجودات زنده نیز که با نام سایبرنتیک اطلاق می‌شود، به‌روزترین معنا از روش‌های اعمال سلطه مادی است که محصول مدرنیته و عصر روشنگری تلقی شده و امروزه در مباحث سیاسی و حکمرانی جایگاهی ویژه یافته است. این سلطه نوین، با درگیر ساختن امیال و ادراکات و در بستر خیال، بدون قطع ارتباط با ادوات مادی، اراده خود را به فاعلیت نفس انسانی تحمیل می‌سازد.

سلطه در روش معنوی، تحمیل اراده بر خلاف خلقت تکوینی و تشریحی بوده و غیرالهی است و در مصادیقی نظیر فاعلیت تسخیری اجنه، شیاطین و در سطح نازل آن، در سلطه‌های روانی و به اصطلاح کاریزماتیک جریان دارد و وابسته به میزان قدرت وجودی و مثالی سلطه‌گر و ضعف مثالی متعلق سلطه، اراده او را دچار اختلال می‌سازد.

از منظر نظام توحیدی و ولایی، سلطه مطرود است. چرا که در تمام مصادیق آن، تحمیل اراده و یک‌طرفه‌سازی مسیر اختیار متعلق سلطه وجود می‌آید؛ در گونه‌های مادی آن، در روش اعمال زور با کاربرد خشونت، در روش تضعیف‌سازی با تأثیر و تحریک روانی، و در روش سایبرنتیک با مسدودسازی مسیر انتخاب عقلانی در نتیجه غلبه شهوانی وهمانی و در گونه‌های معنوی آن نیز، یک‌طرفه‌سازی همراه با تسخیر در

مرتبه‌ای از مراتب مثالی و وجودی فرد رخ می‌دهد.

جایگزین سلطه در نظام توحیدی، هدایت است که در جهت‌دهی به متعلق خود، دو بستر تکوین و تشریح را شامل می‌شود. در بستر تکوین، با عنوان هدایت تکوینی، به نحو احاطی و علی، اصل وجود متعلق خود را در بر دارد و به نوعی خود اراده و وجود متعلق است؛ نه تحمیل آن و در بستر تشریح نیز با عنوان هدایت تشریحی، به معنای سنگین‌تر کردن کفه‌ی انتخاب عقلانی (ر.ک به حدیث: مجلسی، بیتا: ۴۳/ ۳۶۳) با ارزش‌گذاری‌های مکرر و اعمال انذار و تبشیرها است و نمونه آن برانگیزی و احیای عقول توسط انبیا^۲، هدایت مردم تا سرحد رسیدن به قدرت برپاداری عدالت^۳ و همچنین هدایتی است که در امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؛ در حالی که در تمام این بسترها، جهت دهی به متعلق، بدون اعمال جبر و تحمیل اراده رخ می‌دهد.

۲.۲ سلطه در کاربست سایبری

سلطه پیش از عصر مدرنیته و عصر روشنگری به شیوه سنتی و مرسوم نظیر خشونت و ارباب اعمال می‌شد؛ اما با ظهور مدرنیته، در قالب نظریات جامعه‌شناسانه و فلسفی، ساختار نوینی یافت. در این عصر در واکنش به فلسفه و مذهب در ساختار منحرفش، بنیاد دنیوی - تجربی، جانشین بنیاد دینی - عقلانی شده و از آن، نگره اومانیزم، پوزیتیویسم، سکولاریسم و سوژکتویسم زاده شد (صولتی، ۱۳۹۰: ۱۴ و ۱۵).

با تکیه بر عقل خود بنیاد، خردورزی هم‌تراز عقلانیت و عقلانیت به‌مثابه رفتار محاسبه‌پذیر تلقی و بر محور منافع، مفهوم «جامعه بازار» ارائه شد (همان: ۱۹) و مفاهیمی نظیر توسعه، صرفاً تقریر کمی یافت و بنیاد ارزش‌ها بر اقتصاد بنا گردید.

در همین بستر قدرت اصالت یافت و پایه‌های تمدن مدرنیته، بر مبنای سلطه‌جویی و سرمایه‌داری شکل گرفت و اساس حکمرانی، دانش و فرهنگ آن را سامان داد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۳۷). درحالی‌که محتوای بنیاد چنین نظامی را دیگر نه وحی؛ بلکه خرد خود بنیاد بشری می‌ساخت (سید محمد حکاک، ۱۳۸۰: ۶). اراده معطوف به قدرت^۴، نظریه معروف نیچه، هم‌راستا با تعابیر هابز و فرانسیس بیکن بر گسترش و تثبیت بنیاد اصالت قدرت افزود.

محصول چنین بنیادی در غرب، غارت ثروت، تجاوز و تصاحب مملکت، تحریف تاریخ و فرهنگ و سانسور وقایع مثبت تاریخی کشورهای دیگر را به نفع نظام سلطه به دنبال داشت. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۳۷) در دل تحول عصر مدرن در بنیاد، عقاید، نگره به مذهب، فلسفه و علم، دانش سایبرنتیک در پوشش جدید اعمال سلطه، متولد شد.

سایبرنتیک^۵ در زبان یونانی به معنای «هنر هدایت کردن» (بابایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲) و در برخی

^۲ وینبرو لهم دفائن العقول (نهج البلاغه، خطبه ۱)
^۳ لَيُقِيمَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵)

^۴ Will to Power

^۵ Cybernetics

تعبیر معادل کوبرنتیس^۶ به معنای «سکان دار» است که در ترجمه لاتین، گاونر^۷ یا حکمران معنا می‌شود (وینر، ۱۳۶۶: ۱).

سایبرنتیک دانشی است که به مطالعه‌ی مفاهیم کنترل و ارتباطات در موجودات هوشمند و سیستم‌ها باهدف فهم و ساخت سیستم‌هایی که بتوانند به اهدافشان برسند (بابایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶)، پرداخته و با بررسی نحوه‌ی پردازش سیستم‌ها (دیجیتالی، مکانیکی یا بیولوژیکی) درصدد کنترل و هدایت آن برمی‌آید (همان: ۲۴).

نخستین بار نوربرت وینر، ریاضیدان آمریکایی - لهستانی، در سال ۱۹۴۸ متأثر از دوران مدرن و فرهنگ مدرنیته با نگرش ماشینی و اومانستی به انسان، ضمن طرح نظریه سایبرنتیک به تدوین دانش آن همت گماشت. فرمان، کنترل و سیستم از واژگان کلیدی دانش اوست که در معنایی عام، سلطه را در ساختاری نوین کاربردی ساخته است و امروزه به زیرشاخه‌های متعددی نظیر بیوسایبرنتیک^۸ و به‌اختصار، اکو^۹، سایکو^{۱۰} و سوسایوسایبرنتیک^{۱۱} تقسیم شده و نیز در دسته علوم سیاسی و جه‌اشتراک یافته است.

نظریه وینر بر ساحت ادراکی و جنبه ظریف موجود هوشمندی نظیر انسان، یعنی جریان اطلاعات و آگاهی تکیه دارد. سایبرنتیک برخاسته از تحلیل شباهت‌های صوری میان انسان و سیستم، وی و جامعه انسانی را به مثابه ماشین قابل کنترل می‌داند (همان: ۲۶).

سلطه‌سایبری، ترکیب سلطه در بستر سایبری، اشراف بر جامعه و انسان‌ها و کنترل آن‌ها از طریق جریان آگاهی در قالبی نامحسوس است و از جایی که تنها راه اعمال سلطه بر انسان با محور ادراکی و احساس رقم می‌خورد، خیال نقش برجسته‌ای در آن ایفا می‌کند. این نظریه، راهبردی برای تحمیل سلطه در بستری نرم در نظام سلطه ایجاد کرده و در قالب رسانه، تکنولوژی، هوش مصنوعی، متاورس، گیم و غیره کاربرد یافته است.

اعمال قدرت در غرب بر اساس نوع رویکرد به آن، چهره‌های مختلفی مانند تک‌بعدی، دویبعدی و سه‌بعدی و ... دارد. در عرصه سلطه‌سایبری رویکرد سه‌بعدی قدرت مدنظر است. قدرت در این معنا می‌تواند بر افکار و امیال قربانیانش نفوذ کند، بدون اینکه آن‌ها از این تأثیر آگاهی یابند (هیندس، ۱۳۸۰: ۷۶).

فضای سایبر به‌عنوان بستر سلطه‌سایبر، محیطی مصنوعی، الکترونیکی و غیرفیزیکی در نظام‌های رایانه‌ای است که از مسیر آن اطلاعات ایجاد، ارسال، دریافت، ذخیره، پردازش و حذف می‌شوند (کامران دستجردی و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). ارکان سلطه‌سایبری را انسان، فضای سایبر، عامل سلطه، محتوای سلطه و محور اعمال قدرت، ظرف ادراکی و احساسی آدمی یعنی خیال، تشکیل می‌دهد.

⁶Kubernetes

⁷Governor

⁸Biocybernetics

⁹Ecocybernetics

¹⁰Psycho cybernetics

¹¹Sociocybernetics

۳.۲ ماهیت و ابعاد خیال

خیال در لغت به معنای گروه اسبان (خلیل جر، ۱۳۶۷: ۹۴۸/۱)، ظن و گمان (قریشی، بی تا: ۳/۳۲۰ و ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۲۶/۱۱)، تلون و رنگارنگی (احمدبن فارس، ۱۴۰۴: ۲۳۵/۲)، پنداره‌ای بر ساخت از رؤیا و بیداری (طریحی، بی تا: ۳۶۷/۵) و حالتی مؤثر در تفاخر و عجب (حسن مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۶۴/۳)، به کار رفته است و در اصطلاح فلسفی فارغ از اختلافات و با تکیه بر نظر صدرالمتهلین، بستری مثالی - تجردی است که در سه ساحت هستی شناختی، معرفتی و انسان شناختی، در سه معنای مثال منفصل، مثال متصل و نفس مثالی، اشتراک داشته و ناظر به هر کدام کارکردی مخصوص دارد.

مثال یا «خیال منفصل» در ساحت هستی شناختی، یکی از مراتب عالم هستی و محور وصل عالم عقل و طبیعت بوده (قیصری، ۱۳۷۵: ۹۷) و منفصل و مستقل از عالم محسوسات و ابتدای عالم روحانی است (شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۹۵).

مثال یا «خیال متصل» با اطلاق «قوه خیال» بر آن، در ساحتی معرفتی، مخزن صور و معانی جزئیة برگرفته از خارج و نیز خالق صور و معانی ابداعی حسی و خارجی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۱۳/۲۰). «نفس مثالی» یا خیالی در ساحت انسان شناختی، مرتبه مثالی نفسانی انسان است که باقابلیتی دوگانه، به همراهی خیال متصل و دیگر قوای نفس، نظیر واهمه و متخیله، نقشی فعلی و انفعالی در بستر مثال ایفا می کند و در آغاز تکوین تکاملی نفس، پس از گذار از جسمانیت، اولین مرتبه ادراکی و روحانی نفس را ایجاد می نماید (شیرازی، ۱۳۹۳: ۲۱۳/۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۴۰۱/۱ و ۴۰۲).

در این پژوهش، مقصود از قوه خیال با کارکرد دوسویه، بستر مثالی نفس در ارتباط با مثال متصل است که ظرف سلطه پذیری و سلطه گریزی انسان را فراهم ساخته است.

۳ جایگاه خیال در علم النفس فلسفی

در علم النفس فلسفی، خیال، برزخ حس و معنا (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۸۵-۴۸۷) و ابزار مثالی نفس است. با وجود اشتراک انسان و حیوان در وجدان این قوه و اثرش در فاعلیت، این قوه در انسان به جهت اختصاص او به مصوره، مفکره، عاقله و نیز قوت بیشترش، از حیوان تمایز می یابد (ابن عربی، ۱۲۹۳: ۳/۳۸-۴۶).

علاوه بر این با قدرت شگرفی که در دستگاه ادراکی نفس دارد، تأثیر مستقیمی در فاعلیت آن داشته و با کارکردی دوسویه مبتنی بر غلبه هر یک از قوای حیوانی و انسانی، به سمت سلطه پذیری و سلطه گریزی جهت می گیرد. در واقع از جهت مجرد خود، بایی به ملکوت دارد و می تواند با اطاعت از فرامین عقل، سرمایه های فطری خویش را شکوفا و حقایق را در قلب منعکس سازد و از جهت مادی خود، بایی به عالم طبیعت دارد و می تواند با سرپیچی از فرمان عقل، ظرف کثرات و متعلق سلطه گشته و به ناتوانی و فساد ادراکی و تعطیلی عقل منجر شود.

۱.۳ خیال و فاعلیت

در حکمت متعالیه علم و شوق به منزله‌ی مبادی علمی؛ و قوای عامله و اراده به مثابه مبادی عملی، خاستگاه ضروری فاعلیت نفسِ ذی‌شعور محسوب می‌شوند (سبزواری، ۱۹۸۱، ۶/۳۸۸). مبادی علمی که با ایجاد مبادی شوقی منجر به ظهور مبادی رفتاری شده است، به دو قسم عقلی و خیالی تقسیم می‌شوند. از نظر صدرا تمامی فعالیت‌های عقلی و خیالی در مبدأ علمی و تمامی غایت‌اندیشی‌ها در مبدأ شوقی، مستقیم و بی‌واسطه، با استعانت از خیال صورت می‌گیرد (شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۷۵ به نقل از: وفاییان، ۱۳۹۵: ۱۲۹) و هرگونه فعلی هرچند با مبدأیت علمی عقلی، نظیر تفکر و ادراک کلیات، در ظرف خیال و با استعانت از الفاظ و کلام ذهنی حاصل می‌شود (شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۰۷)؛ از این رو نفوذ خیال در افعال انسانی به حدی گسترده است که رفتارهای عبادی انسان را نیز شامل شده و به دلیل وسعت فراگیری آن در عالم طبیعت و مثال، رفتار عقلی محض از انسان را ممتنع ساخته است. علاوه بر این، تفاوت فعل با مبدأیت عقلی از فعل با مبدأ خیالی در این است که فعل خیالی دیگر از همراهی عقل برخوردار نیست، هرچند که فاعلیت عقلی همواره همراه و در بستر خیال رخ می‌دهد (همان: ۱۵۴).

در فرآیند فاعلیت ارادی انسان، ابتدا صورتی علمی مشتمل بر تصور و تصدیق به فایده آن بوجود می‌آید. این صورت یا از او صادر شده یا در نتیجه انفعال از خارج به دست می‌آید؛ پس از تصور غایت و تصدیق به فایده آن بر مبنای عقل یا خیال، اشتیاقی انفعالی به سوی انجام فعل، برآمده از قوای شهویه، غضبیه یا قوه عقل عملی در او پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۲۱-۱۲۲). در مبدأیت علمی، به میزان لطافت و طهارت خیال و نفس مثالی، قوای عقل عملی انسانی فرصت بروز و غلبه می‌یابد.

در نظر بوعلی اولین مبدأ تحریک بدن در انسان قوه خیال و دومین آن قوه عاقله است؛ حتی در حیوانات که در جنس مثالی هم‌ردیف انسان هستند قوه خیال مبدأ تحریک است (طوسی، ۱۳۷۵: ۱۷۲). این تحریک از مجرای در اختیار قرار دادن صور خیالی در خدمت واهمه، متصرفه، حس مشترک و به نوعی عقل عملی است و در مرحله شکل‌گیری شوق در انسان، صور خیالی نقش اساسی را ایفا می‌کنند (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۸۴).

علاوه بر همراهی خیال در مبدأیت عقلی، از مجاری دیگر تحریک قوه خیال در افعال انسان، لذت‌جویی آن است؛ چنانچه صدرا در برخی آثار خود ذیل بحث سعادت حقیقی تصریح کرده است که هرکدام از قوا، لذت خویش را دارا است و آن را می‌طلبند (شیرازی، ۱۳۶۰: ۲۴۹؛ همان، ۱۳۶۳: ۵۸۶). بر همین اساس در تخیل برخلاف تصدیق، لذت‌جویی مبدأیت دارد و همین امر به قبض و بسط نفس در بستر خیال کمک می‌کند (چمن‌خواه ۱۳۸۴: ۲۵).

از این رو خیال و صور خیالی در پرتو خیال‌انگیزی و تحریک قوا می‌توانند نفس را منفعل ساخته و فاعلیت آن را تحت تأثیر قرار دهند.

۲.۳ خیال و قوای حیوانی

نفس حیوانی با قوای ادراکی و تحریکی، از نفس نباتی متمایز می‌شود. قوای ادراکی نفس دو قسم‌اند: حواس ظاهر و قوای باطن. حواس ظاهر عبارت‌اند از: باصره، سامعه، ذائقه، شامه، لامسه. قوای باطن عبارت‌اند از: حس مشترک، خیال، وهم، حافظه و قوه متصرفه (شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۹۳). قوای تحریکی نیز شامل قوای نزوعیه (شهوویه و غضبیه) و فاعله می‌شود.

خیال متصل در بستر مثالی نفس از یک سو عهده‌دار حفظ محصولات حس مشترک است که از محسوسات به دست آمده و از دیگر سو مدرک حس مشترک می‌باشد. داده‌های خام خیال در راستای تحقق افعال خارجی و ذهنی، توسط قوه واهمه، متصرفه و متخیله مورد استفاده قرار می‌گیرد. قوه متصرفه گاه به ترکیب و تفصیل صور موجود در خیال پرداخته (شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۷۶۴-۱۷۶۵) و قوه متخیله نیز عهده‌دار تکثیر و تجسیم مفاهیم است (شیرازی، ۱۹۸۱: ۳/۳۶۷).

وهم نیز در نسبتی اعم مطلق از خیال متصل که مدرک صور جزئی است، مدرک معانی جزئی است و با مراجعه به خزانه‌ی صور خیالی از آن بهره می‌جوید (خمینی، ۱۳۸۹: ۲/۴۳۵). قوه واهمه برای ادراک فعلی که مبتنی بر صورتی خیالی باشد، وارد عمل می‌شود و از این رو در خدمت خیال است (شیرازی، ۱۹۸۱، ۸/۲۱۵).

ملاصدرا قوه متصرفه را نیز در خدمت وهم دانسته و وهم را رابط میان عقل و متصرفه برشمرده است و همواره تأکید می‌نماید که قوه عاقله، در افعال خود، دیگر قوا را از مجرای قوه واهمه به خدمت می‌گیرد. (همان) واهمه با انجام تصدیق، واسطه عقل با محسوسات می‌گردد؛ زیرا عقل در بستر خود تنها مفاهیم ضروری فطری را دارد و جز با وساطت تصدیق وهمانی، مفاهیم و تصدیقات غیر ضروری را نمی‌پذیرد (فتوحات، ۱۲۹۲ق: ۳/۳۶۴). از این رو وهم گاهی با تصدیقات نابه‌جا و سرایت حکم محسوسات به غیر محسوسات، عقل را به خطا وامی‌دارد (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲/۴۲).

ضعف یا قوت نفس مثالی در مشاهدات عالم مثال منفصل و نیز ضعف یا قوت ادراکات معنوی در عبور آن از مسیر وهم، متصرفه، متخیله و ضبط آن در خزانه خیال و ایجاد شوق در تداعی حافظه و ذاکره در برجسته ساختن خواطر مؤثر است. از دیگر سو، خیال متصل در بستر نفس مثالی در جذب یا دفع قوای محرکه نزوعیه مؤثر است. قوه شهویه به محض دریافت و تصور صور لذت‌بخش خیالی، نفس را به سوی جذب آن تشویق می‌کند (صمدی آملی، ۱۳۹۰: ۶۶۱)؛ زیست بدنی - حیوانی انسان، در این دنیا منوط به این قوه و طمع، میل به فساد و تمامیت‌خواهی شهوانی از جمله امیال آن می‌باشد. تحریک خیالی این قوه، هیجانات آن را غالب ساخته و در مقابل قوه عقل عملی می‌شوراند (نراقی، ۱۳۹۰: ۳۹).

قوه غضبیه به محض درک صور مضر و بی‌فایده خیالی، نفس را به دفع آن وادار می‌سازد (صمدی آملی، ۱۳۹۰: ۶۶۱). دفع مضرات و دفاع از خویشتن، منوط به این قوه و شرارت، طلب ظلم و عداوت‌جویی از امیال ذاتی آن است و نظیر قوه شهویه با تکیه بر تمامیت‌خواهی، در مقابل عقل قرار داشته و به غلبه بر نفس مایل است (نراقی، ۱۳۹۰: ۴۰). از ویژگی‌های شاخص این دو قوه تربیت‌پذیری است که در ظرف خیال امکان تحقق دارد.

همان گونه که پیداست، از میان قوای حیوانی، ارتباط نفس خیالی و خیال متصل با قوای تحریکی شهویه و غضبیه و قوه ادراکی واهمه و متخیله، سبب ایجاد و غلبه اشتیاق و در نتیجه تحت تأثیر قرار دادن فاعلیت شده و از این طریق، امکان یا ممانعت از سلطه را فراهم می‌سازد.

۳.۳ خیال و قوای ناطقه، فطرت و عقل منور

قوای حیوانی، محل کثرت، هیجانات و بی‌ثباتی و قوای ناطقه، محل وحدت، ثبات و رسیدن به حد خودکنترلی است.

منظور از قوای ناطقه، عقل عملی و نظری است. عقل عملی موطن تشخیص حسن و قبح بوده و در بستر خیال با ذخیره‌ی صور فطری، نفس را به سمت تصدیقات فطری - الهی سوق می‌دهد. عقل نظری نیز موطن ادراک ضروریات بوده و در صورت صفای قلب (نفس خیالی)، بستر انفعال و ادراک از عوالم بالاست. فطرت به معنای سرشت نیز بینش و گرایش‌هایی عالی است که هم‌زمان با خلقت تکوینی در وجود انسان نهاده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۱: ۳/۴۴۵). تشخیص مصادیق تمایلات فطری بسته به خاستگاه مبدأ علمی افعال (خیالی یا عقلی) تعیین می‌شود.

عقل منور یا عقل الهی نیز لایه‌ی سومی غیر از نفس مثالی و بعد حیوانی انسان است؛ خودِ خودِ خود او تفسیر شده و امانت نهان الهی و ناشناخته‌ترین بعد آدمی است. عقل الهی که در لسان شریعت «روح» نامیده شده است، ودیعه الهی و حکمران حقیقی نفس آدمی است. خیال، بستر میانی و واسطه ارتباط این لایه‌ی وجودی نفس، با طبیعت اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۹۲).

نقش خیال در ارتباط با قوای ناطقه، فطرت و عقل الهی بیشتر انفعالی است تا فعلی؛ هر قدر خیال در تبعیت این قوا درآید، خیال‌انگیزی‌ها و معارف عالی و از این بستر طهارت قلب و وهم، مجال می‌یابد. در غیر این صورت، انسان به میزان ضریبی که در گزینش امیال دارد، بستر مثالی نفس که جایگاه قلب است را در جهت حاکمیت یکی از قوا فراهم می‌سازد.

۴ کارکرد خیال در سلطه‌سایبری

همان گونه که در معناشناسی سلطه‌سایبری بیان شد، کنترل و فرمان سیستم‌های هوشمند و غیرهوشمند، محور سایبرنتیک است. همچنین سلطه‌سایبری، حاکمیت بر جریان آگاهی انسانی و مقهورسازی اوست و این امر در بستر خیال میسر است.

از نظر وینر، سیستم‌های زنده و غیرزنده می‌توانند دارای هدف (در اصطلاح سایبر) باشند؛ یعنی: قابل پیش‌بینی، کنترل و برنامه‌ریزی باشند (بابایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴ و ۹۳) و تبیین رفتارهای سیستمی پیچیده نظیر انسان، نیازمند عامل بیرونی نبوده و می‌توان آن‌ها را با خوانشی مکانیستی تفسیر کرد (همان: ۳۳).

بر مبنای نگرشی که وینر بر انسان و امکان کنترل او از طریق جریان آگاهی داشت، آندره امپرماری ارتباط علوم سیاسی و سایبرنتیک را برای نخستین بار طراحی کرد (همان: ۳۵) و پای سلطه و حکمرانی را

به طور رسمی به جریان نرم ذهن، با محوریت خیال کشاند.

خیال همان زبان و عنصر مشترکی است که فارغ از تمام محدودیت‌ها و شاخصه‌های جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی - اجتماعی و قومی - قبیله‌ای می‌تواند انسان را تحت سیطره و نفوذ خاموش و پنهانی قرار دهد.

امروزه آثار سلطه رسانه، نمونه و مصداقی ملموس از اعمال سلطه‌سایبری در ظرف خیال است.

مک لوهان، از افراد شاخص مطالعات رسانه معتقد است: تأثیر رسانه به قدری عمیق است که هیچ تلاشی از جسم و روانمان را دست‌نخورده باقی نمی‌گذارد. ابزار و وسایل ارتباطی، نه تنها رابطه انسان و طبیعت بلکه طبیعت انسان مدرن هستند (مک‌لوهان، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

جهان فناورانه امروز دیگر نه با ابزارهای سخت و قابل رؤیت، بلکه به شکلی نرم، در حال تغییر بینش‌ها، گرایش‌ها، کنش‌ها و سبک زندگی کاربران آن است (بابایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵).

ژان بودریار نیز معتقد است، رسانه‌ها ابزاری برای بی‌ثبات‌سازی واقعیات هستند؛ ولی انسان، به ندرت به تأثیرپذیری نگرش خود توسط رسانه‌ها، توجه دارد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۴-۱۸۱). این سخنان، شاهدی بر تأثیرپذیری و امکان سیطره بر خیال هستند.

در این میان اهمیت و کارکرد قوه خیال کاملاً دوسویه بوده و مرزی میان سعادت و شقاوت انسان است. از یک سو خیال قابلیت‌هایی کیهانی و فراکیهانی، نظیر کشف و مشاهده اسرار، نیل به عالم قدسی و هنر و جذبه‌های متعالی، تلقی وحی و الهام داشته و از سوی دیگر با سیر در امور شهوت‌انگیز، قوی‌ترین ابزار شیطان و وجوه مختلف سلطه در جهت پرورش آرزوها و و نیل به پستی‌ها است. وجود تمایز و تقابل میان این قابلیت‌ها، نمایانگر همین دوسویگی است که در دو جنبه تحریکی و شناختی فاعلیت نفس، اثر می‌گذارد.

در نظر بوعلی، نزد خیال کثرت، شناخته‌شده‌تر از وحدت است (شیرازی، بی‌تا: ۹۳) و از طرفی اکثر انسان‌ها نیز به لحاظ طبیعت در حد مراتب پایینی خیال و در حقیقت به مثابه حیواناتی هوشمند هستند (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۰۶-۲۰۸)؛ از این‌رو خیال در مراحل اولیه، ظرف کثرت و تحقق امیال طبیعی و حیوانی است.

۱.۴ ترفندهای اعمال سلطه‌سایبری

بر اساس آنچه در بحث جایگاه خیال در علم النفس فلسفی و نقش آن در فاعلیت و ارتباط با قوای حیوانی و قلیان امیال نفسانی، در دو قوه شهویه و غضبیه و نیز ظرفیت خیال، وهم و متخیله در ایجاد خطای معرفتی و از این طریق، منحرف شدن مسیر انتخاب عقلانی بیان شد؛ سلطه‌سایبری در اشکالی نظیر تکثیر، تشمت و سرگرم‌سازی، تخدیر و معتادسازی، کنترل و شرطی‌سازی و معنویت نوین، در فاعلیت نفس انسانی تأثیر می‌گذارد.

توضیح مختصر هر یک از اشکال فوق در ادامه بیان می‌گردد.

تکثیر، تشمت و سرگرم‌سازی در بستر خیال: نظام سلطه در مسیر اهداف خود، با ایجاد صور خیالی پرشمار و مبتنی بر امیال شهوانی و غضبیه و گاهی با ایجاد بستر خیالی در ارضای آن، (به‌طور مثال، فضای گیم یا متاورس) حرص و تمایلات دانی او را شدت داده و به کثرت تعلقات و غفلت انسان از خواسته‌های عالی و خودفرمانش منتهی می‌شود. در این حالت مبادی شوقیه تحت فرمان امیال تنوع‌طلب حیوانی بوده و مبدأ

علمی نیز مجال اندیشیدن ندارد.

متاورس و گیم‌های وابسته به خیال به عنوان نمونه ابزارهای سلطه‌سایبر، فرصت زیادی برای پیشرفت و بهره‌برداری استعماری فراهم آورده است. سلطه در بستر سایبر و با محوریت خیال آدمی، قدرت دارد با ایجاد یک زندگی در ابعاد مجازی، فرصت اشباع نیازهای خیالی برای انسان را صدچندان ساخته و با استفاده از علوم اعصاب و علوم شناختی بستری مبتنی بر احساسات کاذب ایجاد کند، تا حدی که فرد امیال دانی خود را با حواس پنج‌گانه می‌چشد، لمس می‌کند و می‌بوید و

همچنین قدرت دارد مرز میان واقعیت و مجاز را برداشته شده و معیار صدق و کذب در متعلقش را بر مطلوب خود تعریف کند.

تخدیر و معتادسازی: سلطه از طریق استمرار و تکرار تحریک مبادی شوقی حیوانی و تضعیف مبادی علمی، تخدیر و اعتیاد نفس را حاصل می‌کند.

کنترل و شرطی‌سازی: سلطه‌سایبر با ایجاد موقعیت‌های تشویق و تنبیه هدایت‌شده و نیز با ایجاد مغالطات ذهنی و احساسی، ذهن و احساس را در بستر خیال، شرطی ساخته و تحت تأثیر خطای شناختی، به عملکرد و فاعلیتی وهمانی و خیالی وامی‌دارد.

به عنوان نمونه با ایجاد بستر بازخوردهای مثبت و منفی هدایت‌شده، فرد را به انتخاب‌هایی وابسته به آن‌ها مبدل ساخته و معیار صحت و خطای واقعی را از او زایل می‌سازد.

معنویت نوین: جریان سلطه، در راستای اعمال و تقویت استیلا خود، میل فطری معنویت‌خواهی بشر را با ایجاد و معرفی ایسم‌ها، مکاتب و معنویت‌های نوظهور و خطای معرفتی - شناختی در بستر وهم و خیال پاسخ می‌دهد و از این طریق متعلقش را بر مدار خود کنترل می‌کند.

به‌فضا کلی، فضای سایبر مزایایی را برای سلطه‌جویان ایجاد کرده است؛ نظیر قدرت فریفتن بالا با جعل عمیق از طریق ایجاد بستر اشتراک اذهانی و دستیابی به اعماق ذهن انسان، ذخیره داده‌های انسانی و بهره‌برداری از آن به نفع نظام سلطه، وجود بستر کنترل، تبدیل کردن فضای سایبر به فضای زندگی و طبیعتی جداناپذیر، میل محور بودن و کم‌هزینه بودن، همه و همه با محوریت خیال و تسخیر آن در فضای کنترل‌شده رقم می‌خورد. نظام سلطه با اشکال فوق و استفاده از ابزارهایی چون سحر می‌تواند در بستر سایبر، ذهن متعلق خود را نیز به معنای واقعی تسخیر کند.

۲.۴ کنترل سایبری و فاعلیت بالتسخیر

فاعل بالتسخیر، فاعلی است که خود و فعلش در تسخیر قوای برتر از اوست و مبتنی بر رابطه‌ای احاطی، تحت تسخیر فاعل دیگر کار می‌کند (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۷۲).

فاعلیت انسان در اثر فرمان و کنترل در سلطه‌سایبرنتیک، تا حدودی به این معنا نزدیک می‌شود؛ البته در این سلطه، اراده به کلی از بین نمی‌رود بلکه تحت تحمیل نرم، دچار اختلال شده و یک‌طرفه می‌شود. متعلق سلطه، به قدری در امیال دانی غوطه‌ور می‌شود که مجالی برای انتخاب عقلانی نمی‌یابد و به مثابه حیوانی وابسته و وحشی در افسار نظام سلطه درمی‌آید و رام آن می‌شود.

تسخیر، به دو وجه حق و باطل صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر نفوذ علی بر غیر، یا در مسیر مصلحت تکوینی و لازمه تکوین اوست و یا دخالت و خللی منفعت‌طلبانه در مسیر تکوین اوست. سلطه، از سنخ تسخیر باطل است و سلطه‌سایبری، از این جهت با سایر تسخیرهای باطل، مشترک است؛ با این تفاوت که حد نفوذ و تسخیر در آن، در محدوده خیال و دستگاه فکری ادراک است و اثری علی و تکوینی ندارد؛ بر خلاف تسخیرهای باطل مثالی که در آن نوعی دخالت تکوینی و علی رخ می‌دهد؛ از این رو ضعف محدوده تسخیر و علی نبودن آن از ویژگی‌های تسخیر سایبری است.

سلطه‌سایبرنتیک با ذائقه‌سازی برای انسان، موجب می‌شود که او بر اساس انگیزه‌ها، علایق و با اختیار خویش به سوی معانی خیالی حرکت کند؛ از این رو این فاعلیت به ظاهر بالتسخیر، به فاعلیت بالقصد او، به معنای: فعلی که در آن فاعل دارای علم و اختیار است و در انجام فعل، علم و اختیارش دخالت دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۷۲)؛ ضربه‌ای نمی‌زند؛ بلکه با کثرت خیال و غلبه یافتن امیال، فاعلیت عقلانی‌اش مختل می‌شود؛ اما فعل همچنان ارادی، ولیکن ضعیف و نفسانی است؛ بنابراین کنش‌هایی که از متعلق سلطه‌سایبر رخ می‌دهد در حقیقت منسوب به اوست، هر چند در سیطره اهداف و فریب سایبر تحقق یافته باشد.

جهت‌گیری حرکت خیال در اثر نفوذ و تسخیر کنترل سایبری، بر اساس اتحاد عالم و معلوم به اتحاد نفس انسانی با صور معنایی مورد اقبال او می‌انجامد؛ بعد از اتحاد، آن معانی وارد جایگاه دوم یعنی عرصه ذهن و اندیشه انسان می‌شوند؛ از آنجا که نفس انسان در عین وحدت خود، دارای مراتب و مشتمل بر همه قوای ادراکی و تحریکی است بعد از اتحاد با صور مجرد علمی، رفتار خود را بر اساس آن سامان می‌دهد. در مرتبه سوم، معانی با خروج از زاویه ذهن افراد وارد متن زندگی و رفتارهای اجتماعی آنان شده و به تبع آن، باورها، عادات، نهادها و کنش‌های اجتماعی را تسخیر می‌کند. به تعبیری وهم، خیال و حس در مسیر اهداف نظام سلطه، بر این جامعه حکم‌فرمایی می‌کند.

۵ کارکرد خیال در سلوک و اعراض از سلطه‌پذیری

بر اساس آنچه بیان شد جنس خیال در سنخ خواطر و تداعی مؤثر است و به دلیل گذر عقل از مسیر وهم، هر اندازه خیال، لطیف‌تر بوده و از غلبه امیال حیوانی مصون باشد، لطافت ظهور می‌یابد؛ به علاوه، به دلیل قابلیت تربیت‌پذیری، ظرف انفعال از قوای ناطقه، فطرت و عقل الهی در مسیر هدایت‌پذیری می‌گردد؛ به نحوی که انسان با غلبه بر امیال دانی و سیطره عقلانیت بر نفس خود، نیل به کمالات، زیبایی‌شناسی و حق‌جویی را انعکاس می‌دهد و با تداعی خواطر و لذایذ عالم مثال منفصل و ارتقا ادراک نظری به کمالات حقیقی و تکاملی خود، شوق یافته و بستر سلوک و سلطه‌گریزی او فراهم می‌شود.

در این مسیر آنگاه که قوای بدنی و حیوانی تحت تدبیر عقل عملی فاعلیت داشته باشند و حاصل ادراک عقل عملی برگرفته از عقل نظری به عنوان هادی و رسول باطنی، بر خیال و متخیله عارض شده و ایجاد شوق کند، نفس انسان به جهت حاکمیت عقل در مبدأ فاعلی، از سلطه ابا خواهد داشت.

در این میان فطرت نیز که ساختار ویژه بشری است و در تصدیق مفاهیمی نظیر استحاله اجتماع و

ارتفاع نقیضین، قرین عقل نظری بوده و در نیل گرایشاتی نظیر زیبایی دوستی، کمال طلبی، حق جویی و میل به پرستش، قرین عقل عملی است و تبدیل ناپذیری و عدم انحراف از ویژگی‌های آن است؛ با ممانعت از غلبه امیال حیوانی شکوفا شده و با گرایشات سلوکی و خیال‌انگیز متعالی خیال را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۹). از این رو حاکمیت بر خیال، شرط سلوک و تعالی بستر زیبایی‌شناختی آن است.

در مسیر افزایش قدرت انعکاس خیال از هدایت عقل و فطرت، آگاهی به وجود خطرات سلطه و نیز مجهز شدن به هشیاری‌ها و توانمندی‌های مقابله با سایبر و محدودیت بهره از آن و نیز بهره از هدایت‌های ولایت و شریعت لازم است؛ چرا که آگاهی خود مبدایی علمی برای ایجاد شوق در مقابله با اشتیاقات کاذبی است که گاهی از طریق سلطه‌سایبر و مسیرهایی نظیر آن اعمال می‌شود.

۱.۵ خیال، زیبایی‌شناسی و هنر

هنر و حس زیبایی‌شناسی از امیال فطری و الهی آدمی و خیال بستری برای تجلی آثار هنری است. خلاقیت تصویرگری و خلق صورت توسط قوه خیال و (یوسفی‌سوته، ۱۳۹۸: ۳۲۲) صورت‌های خیالی، منشأ آثار هنری هستند.

نسبت خیال و هنر دوسویه است؛ خیال هنر آفرین و هنر نیروبخش خیال است؛ بر این اساس ایجاد اثری هنری مبتنی بر نقش‌بندی خیالی آن است (برقعی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

ایده فیلسوفان اسلامی در باب هنر، بازنمایی و محاکات توسط خیال است؛ بر این مبنا با وجود کمال‌گونگی هنر، به میزانی که تصاویر متعالی در ظرف خیال ثبت شود، بازنمایی و خلاقیت هنر الهی جلوه کرده و به میزانی که از تصاویر منفی، مستهجن، وهمی و آلوده به شهوات و مادیت اشباع شود؛ هنر و خلاقیت متدانی و بلکه شیطانی بروز می‌یابد (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۳۱).

هنر پر مخاطب عصر حاضر، هنری تکنولوژیک است و با غلبه نگاه سکولار به جهان و نگرش اومانیستی به انسان، با محور قرار دادن سوپرتکیویته هنرمند، هدفی بیش از ارضای هواهای نفسانی نداشته و تعهدی به تجلی زیبایی حقیقی در آثار خویش ندارد. این هنر با جذابیت‌های بصری خود به سرعت در همه‌ی جوامع رخنه کرده و حرکت به سمت اضلال را موجب شده است و مخاطب خود را با سرپوشی بر فطرت و غرقه‌ساختنش در نفسانیات از درک زیبایی‌های معقول دور کرده است به نحوی که بر اساس آیه ۴۵ سوره زمر^{۱۲} زیبایی حقیقی برای آن‌ها مضمئزکننده شده است.

بر خلاف آن، هنر اسلامی که طلایه‌دار هدایت و حیات است؛ با الهام از مبانی اسلامی، قادر به ایجاد فضایی است که انسان به باطن اشیا و مفاهیم متوجه شود و این امر همان نیاز انسان معاصر و روزه‌ای به سمت سلوک، احیای عقل و فطرت نهفته و مسیر منع از سلطه است.

انتقال صور خیالی و از مسیر آن خلق هنر متعالی، به دلیل ظرافت بستر خیال و شوقی بودنش، تابع برهان و تجویز عقلی نیست؛ بلکه تابع معنویت است که با تسلط بر خیال حاصل شده و چنین تسلطی با مراقبت از اشتغال به مادیات و نیز ممانعت از توجه بیش از حد به مفاهیم انتزاعی و هجوم خیالات متشتت حاصل

^{۱۲} وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ (زمر/ ۴۵)

می شود.

۲.۵ خیال و هدایت الهی

هدایت، راهبرد علم النفس فلسفی در سیر سلوک و تعالی خیال است؛ چرا که انسانیت انسان و تمایزش با حیوان، به واسطه سیطره عقل و عقلانیت به عنوان نبی و هادی درونی بر قوا، افعال و تصمیمات اوست. هدایت به دو نوع تکوینی و تشریحی در عالم سریان دارد (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۱۶/۴۸-۶۰)، هدایت عقل و فطرت در راستای هدایت تکوینی و در احاطه وجودی خداوند و علل طولیه است و هدایت انبیا، اولیا الهی و نیز در امتداد آن، ولایت فقیه و ولایت مؤمنین بر یکدیگر، در قالب امر به معروف و نهی از منکر، از سنخ هدایت تشریحی و در مسیر رهایی از سلطه‌پذیری انسان است. امر و فرمان در این نوع هدایت، متفاوت از کنترل و فرمان در سلطه‌سایبری است و همان‌گونه که در معناشناسی سلطه بیان شد، در سلطه، استخدام بر اساس اعتبارات نفسانی و توأم با جبر بوده و در بستر آلوده‌شدن خیال و عدم تبعیت نفس از ندای عقل و فطرت و نیز ولی حقانی رخ می‌دهد. ولی در ولایت الهی هر گونه توصیه و نهی، مبتنی بر تشریح الهی، عقلانیت توحیدی و فطرت الهی است. فرمان و اراده‌ای که در جریان هدایت و ولایت صورت می‌گیرد، در نوع تکوینی‌اش ضامن وجود و حیات انسان و در نوع تشریحی‌اش مستلزم هدایت و ارتقا سطح عقلانیت و آزادی از سلطه‌های غیرالهی است. علاوه بر این به میزان ولایت‌پذیری عقل، در بستر خیال، خیال نیز مطهر شده و شوق و اشتیاق سلوکی را توأم با توصیه عقلانی و فطری انعکاس می‌دهد.

۶ دستاوردهای بحث

- سلطه، قدرت مقید به تحمیل اراده و نوعی استخدام مبتنی بر اعتباریات نفسانی است که پس از عصر مدرنیته با نظریه سایبرنتیک، در کاربست سایبری، بر محور خیال انسانی اعمال شد.
- از آنجا که از منظر علم النفس فلسفی، تمامی فاعلیت‌های عقلی، خیالی و تمامی انگیزش‌های امیال نفسانی و الهی با استعانت از خیال صورت می‌گیرد، حاکم شدن سایبر بر خیال و آلوده کردن آن، نفوذ استعماری در تمام فاعلیت‌های علمی و عملی انسان است. جریان سلطه‌سایبری با شناسایی این وادی گسترده به عنوان عنصر مشترک در تمام انسان‌ها، راهبرد نفوذ خاموش را پیش گرفته است.
- سلطه با دو روش مادی و فرامادی، بر انسان غالب می‌شود. سلطه‌سایبری یکی از انواع نرم و نافذ اعمال سلطه مادی است که از طریق ادوات مادی با محوریت کنترل و فرمان جریان آگاهی، برآمده از مبانی اومانستی و بر مبنای اصالت قدرت و سرمایه، با ایجاد انحراف در صفحه بینش و گرایش نفس مثالی که بستری دوسویه و تربیت‌پذیر دارد، با اشکالی نظیر سرگرم‌سازی، اعتیاد، شرطی‌سازی، پاسخ به معنویت‌خواهی نفس، فاعلیت آن را با تحمیل اراده خود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. سلطه معنوی نیز

- با اعمال تسخیر به میزان احاطه وجودی سلطه‌گر و ضعف متعلق سلطه، به غرض نفسانی و غیرالهی، در جهت خلاف کمال او رخ می‌دهد.
- ولایت و هدایت تشریحی فرآیند استخدام بدون تحمیل اراده و با هدف ارتقای سطح عقلانیت و نیل به کمالات انسان رخ می‌دهد.
 - انحراف و شدت‌یافتن تمایلات قوای حیوانی و آلودگی خیال به وهم و کثرت‌ها، مانع از انعکاس و بروز عقلانیت و امیال فطری بوده و نفس را به مثابه افساری در دست قدرت‌های غیرالهی قرار می‌دهد.
 - طهارت نفس خیالی در موطن قلب و تبعیت آن از عقل به عنوان حجت درون و نیز ولایت تشریحی به عنوان حجت بیرون، ضامن رهایی و بروز امیال سلوکی، هنر متعالی و بستر ایجاد اشتیاقات متعالی است.
 - از آنجا که فاعلیت انسان مبتنی بر بینش و گرایش‌ها است؛ از بایستگی‌های حکمرانان متعالی می‌توان اشاره کرد به:

- اولاً؛ ایجاد بستر مناسب جهت مطالعه دقیق برای استفاده از ظرفیت خیال‌انگیزی خیال در بستر زیبایی‌شناسی و جهت‌دادن هنر به بعد متعالی آن است.
- ثانیاً؛ با توجه به گستره‌ی خیال، اصلی‌ترین راه جلوگیری از آسیب‌های سایبر، ایجاد بینش نسبت به خطرات سلطه‌سایبری، با اعمال تبیین در بسترهای متنوع ادراکی و نیز مسدودسازی بسترهای تحریکی اعمال سلطه‌سایبری و مقابله با آن از طریق ایجاد شرایط لازم برای رشد فطرت و عقل در سایه‌ی اتصال با ولایت الهی و طهارت خیال است.

مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] نهج البلاغه
- [۳] ابن‌سینا، حسین ابن عبدالله، مبدأ و معاد، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- [۴] ابن عربی، محی‌الدین، الفتوحات المکیة، مصر، بولاق، ۱۲۹۲ ق.
- [۵] ابن منظور، لسان العرب، تعلیق و تصحیح علی شیری، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- [۶] احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- [۷] اردبیلی، عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی. قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱ ش.
- [۸] بابایی، سعیده و همکاران، نظریه سایبرنتیک و تحقق آن در فضای مجازی، تهران، مرکز ملی فضای مجازی، ۱۴۰۰ ش.
- [۹] جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (هدایت در قرآن)، قم، اسرا، ۱۴۰۰ ش.

- [۱۰] جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ش.
- [۱۱] جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، تحقیق مصطفی خلیلی، قم، اسراء، ۱۳۹۳ ش.
- [۱۲] جوادی آملی، عبدالله، هنر و زیبایی از منظر دین، مجله هنر دینی، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۸۵ ش، صص ۴۳-۵۲.
- [۱۳] چمن خواه عبد الرسول، صور خیال در نهج البلاغه و تجلی آن در ادب فارسی، شیراز، نوید، ۱۳۸۴ ش.
- [۱۴] حسن زاده‌ی آملی، حسن، اتحاد عاقل به معقول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۴ ش.
- [۱۵] حسینی، سیدحسن، زیبایی‌شناسی و فلسفه رسانه، تهران، مهر نیوشا، ۱۳۸۸ ش.
- [۱۶] حکاک، محمد، تحقیق در آراء معرفتی هیوم، تهران، مشکوه، ۱۳۸۰ ش.
- [۱۷] خالقی بایگی، عزیز و همکاران، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در آیات ۲۷۹ بقره، ۱۴۱ نساء و ۱۸۹ قصص، آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۳۰، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ ش، ۱۵۵-۱۸۰.
- [۱۸] خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- [۱۹] راسل، برتراند، قدرت، ترجمه نجف دریابندری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۷ ش.
- [۲۰] راش، مایکل، جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت، ۱۳۷۷ ش.
- [۲۱] سبزواری، ملاهادی، شرح اسفار، بیروت، دار احیاء تراث، ۱۹۸۱ م.
- [۲۲] سهروردی، یحیی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
- [۲۳] شیرازی، صدرالدین محمد، الحاشیه علی الهیات الشفاء، قم، انتشارات بیدار، بی‌تا.
- [۲۴] شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم، منشورات طلیعة النور، ۱۳۹۳ ش.
- [۲۵] شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، بیروت، دار احیاء التراث العربیة، ۱۹۸۱ م.
- [۲۶] شیرازی، صدرالدین محمد، الشواهد الربوبیة فی مناهج السلوکیة، مشهد، مرکز جامع نشر، ۱۳۶۰ ش.
- [۲۷] شیرازی، صدرالدین محمد، المبدأ و المعاد، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۵۴ ش.
- [۲۸] شیرازی، صدرالدین محمد، مفاتیح الغیب، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
- [۲۹] شیرازی، صدرالدین محمد، مبدأ و معاد، ترجمه جعفر شانظری، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰ ش.
- [۳۰] صمدی آملی، داود، شرح مراتب طهارت، قم، روح و ریحان، ۱۳۹۰ ش.
- [۳۱] صولتی، مهران، جامعه‌شناسی سلطه، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰ ش.
- [۳۲] طباطبایی، محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا، ۱۳۶۴ ش.
- [۳۳] طباطبایی، محمد حسین، نهاية الحکمة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۲ ق.
- [۳۴] طریحی، احمد، مجمع البحرين، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
- [۳۵] طوسی، نصیرالدین، شرح الاشارات و التنبیها، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵ ش.
- [۳۶] علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر و پخش ویس، ۱۳۶۹ ش.
- [۳۷] قریشی، علی اکبر، بی‌تا، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۸] قیصری، محمد داوود، شرح فصوص الحکم، به کوشش سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.

- [۳۹] کامران دستجردی، حسن، محمدی، زهرا، فضای سایبری و تعاریف جدید در جغرافیای سیاسی، فصلنامه علمی - پژوهشی و بین المللی جغرافیای ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۳ ش.
- [۴۰] مدقق، محمد داود، شرف‌الدین، سید حسین، تبیین سلطه و رهایی در حکمت اسلامی با تأکید بر اندیشه آیت الله جوادی، حکمت اسراء، شماره ۳۴، ۱۳۹۸ ش، ۳۵-۶۷.
- [۴۱] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- [۴۲] مصباح یزدی، محمد تقی، تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
- [۴۳] مصباح یزدی، محمد تقی، شرح جلد هشتم اسفار اربعه، تحقیق و نگارش محمد سعیدی‌مهر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ ش.
- [۴۴] مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
- [۴۵] مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه، ۱۳۶۰ ش.
- [۴۶] مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران، صدرا، ۱۳۶۳ ش.
- [۴۷] مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۹۱ ش.
- [۴۸] مطهری، مرتضی، فطرت، تهران، صدرا، ۱۳۷۰ ش.
- [۴۹] نراقی، ملااحمد، معراج السعاده، قم، نوید ظهور، ۱۳۹۰ ش.
- [۵۰] نقی‌زاده، محمد، نیاز انسان امروز به هنر دینی، مجله هنر دینی، ش ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۲ ش، صص ۵۷-۷۴.
- [۵۱] مکلوهان، مارشال، برای درک رسانه، ترجمه سعید آذری، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۷ ش.
- [۵۲] وفاییان، محمد حسین، فرامرز قراملکی، احد، تبیین جایگاه و کارکرد قوه خیال، در صدور رفتار و افعال عاقلانه از انسان با تأکید بر مبانی نفس-شناسی صدر المتألهین، اخلاق و حیانی، شماره اول، پیاپی ۱۱، ۱۳۹۵، صص ۱۱۶-۱۳۴.
- [۵۳] وینر، نوربرت، استفاده‌ی انسانی از انسان: سیبرنتیک و جامعه، ترجمه مهرداد ارجمند، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- [۵۴] هاشم‌نژاد، حسین، درآمدی بر فلسفه هنر، قیسات، سال یازدهم، ۱۳۸۵، صص ۳۱۳-۳۳۲.
- [۵۵] هیندس، باری، گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، ترجمه مصطفی یونسی، تهران، پردیس دانش، ۱۳۸۰ ش.
- [۵۶] یوسفی سوتیه، رقیه، بررسی تحلیلی نقش قوه خیال در تعالی انسان بر مبنای حکمت متعالیه، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۸ ش.

